



An Analysis of the Challenge of Divisiveness (Tafriqah) in the Prophetic Society and Strategies for Its Management: With a Focus on Surah At-Tawbah*

Khadijeh Borhani Koodehi¹ Abdolkarim Bahjatpoor²
Esmacil Cheraghi Kooteiani³

1. Level 4 Seminary Student, Comparative Interpretation, Sedigheh Kobra Teacher Training Center, Qom Seminary, Qom, Iran (**Corresponding Author**).
kh.borhani93@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Quranic Studies, Research Institute of Wisdom and Religion, Islamic Culture and Thought Research Institute, Tehran, Iran.
a.bahjatpoor@iict.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. cheraghi@iki.ac.ir

Abstract

Divisiveness is a significant challenge in the path of Islamic civilization-building, the understanding and management of which requires a rereading of Quranic concepts and an examination of the experience of the Prophetic society. This research was conducted with the aim of analyzing the complexity of dimensions and the evolution of divisiveness methods throughout the descent of Quranic verses, identifying their instances in the Prophetic society, and extracting management strategies based on the concepts of Surah At-Tawbah. The research method of this study is a library with a descriptive-analytical approach based on deductive interpretation. The

* Borhani Koodehi, K., Bahjatpoor, A., & Cheraghi Kooteiani, E. (2026). An Analysis of the Challenge of Divisiveness in the Prophetic Society and Strategies for Its Management: With a Focus on Surah At-Tawbah. *Islam and Social Studies*, 14(1), pp. 69-98.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74625.22203>

■ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

■ **Received:** 2025/10/02 • **Revised:** 2025/12/06 • **Accepted:** 2026/01/30 • **Online Publication:** 2026/03/30

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



findings indicate that the scope and methods of divisiveness in the Quran evolved through four stages: the stage of "covert identity formation," where division was presented at the level of individual deviation; the stage of "cultural distinction," where division transformed into ideological divergence; the stage of "political establishment," where division was recognized as a structural threat; and the stage of "consolidation of the Islamic society," where division manifested as an organized, anti-civilizational project. In the Prophetic society, instances such as the distortion of religious and temporal order, passive division in the form of withdrawal from *Jihad*, and institutionalized division in the incident of *Masjid al-Dirar* (the Mosque of Harm) are identifiable. Based on the analysis of Surah At-Tawbah, Quranic strategies for managing divisiveness include exposing the role of hypocrites in undermining unity, identifying and restricting centers of social sabotage, and strengthening religious and social cohesion within the Islamic *Ummah*. These findings suggest that Surah At-Tawbah provides a strategic model for managing crises arising from divisiveness and consolidating solidarity in the Islamic society, which can be applied in analyzing and confronting social challenges in contemporary Islamic societies.

Keywords

Descent sequence, Divisiveness, Surah At-Tawbah, Prophetic society, Management of social challenges.



تحلیل چالش تفرقه افکنی در جامعه نبوی و راه کارهای مدیریت

آن با محوریت سوره توبه*

خدیدجه برهانی کودهی^۱ عبدالکریم بهجت پور^۲ اسماعیل چراغی کوتیانی^۳

۱. طلبه سطح چهار، رشته تفسیر تطبیقی، مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری علیها السلام، حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

kh.borhani93@gmail.com

۲. دانشیار، گروه قرآن پژوهی، پژوهشکده حکمت و دین پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران.

a.bahjatpoor@iict.ac.ir

۳. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.

cheraghi@iki.ac.ir

چکیده

تفرقه‌افکنی یکی از چالش‌های مهم در مسیر تمدن‌سازی اسلامی است که فهم و مدیریت آن نیازمند بازخوانی مفاهیم قرآنی و بررسی تجربه جامعه نبوی است. این پژوهش با هدف تحلیل پیچیدگی ابعاد و تحول روش‌های تفرقه‌افکنی در سیر نزول آیات قرآن، شناسایی مصادیق آن در جامعه نبوی و استخراج راه کارهای مدیریتی بر پایه مفاهیم سوره توبه انجام شده است. روش تحقیق این پژوهش، کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی-تحلیلی بر پایه تفسیر تنزیلی است. یافته‌ها نشان می‌دهد گستره و شیوه‌های تفرقه‌افکنی در قرآن طی چهار مرحله تحول یافته است: مرحله هویت‌سازی پنهان که تفرقه در سطح انحراف فردی مطرح بود؛ مرحله تمایز فرهنگی که تفرقه به واگرایی ایدئولوژیک تبدیل شد؛ مرحله استقرار سیاسی که تفرقه به عنوان تهدیدی ساختاری شناخته شد؛

* برهانی کودهی، خدیجه؛ بهجت پور، عبدالکریم؛ چراغی کوتیانی، اسماعیل. (۱۴۰۵). تحلیل چالش تفرقه‌افکنی در جامعه نبوی و راهکارهای مدیریت آن با محوریت سوره توبه. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱۴(۱)، صص ۶۹-۹۸. <https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74625.22203>

■ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

■ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

© ۱۴۰۵ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



و مرحله تثبیت جامعه اسلامی که تفرقه به صورت پروژه‌ای سازمان‌یافته و ضدتمدنی آشکار شد. در جامعه نبوی نیز مصادیقی مانند تحریف نظم دینی و زمانی (نسیء)، تفرقه انفعالی در قالب کناره‌گیری از جهاد و تفرقه نهادی در ماجرای مسجد ضرار قابل شناسایی است. براساس تحلیل سوره توبه، راهبردهای قرآنی در مدیریت تفرقه شامل افشای نقش منافقان در تضعیف وحدت، شناسایی و محدودسازی کانون‌های تخریب اجتماعی و تقویت انسجام دینی و اجتماعی در امت اسلامی است. این یافته‌ها نشان می‌دهد سوره توبه الگویی راهبردی برای مدیریت بحران‌های ناشی از تفرقه و تحکیم همبستگی در جامعه اسلامی ارائه می‌دهد و می‌تواند در تحلیل و مواجهه با چالش‌های اجتماعی جوامع اسلامی معاصر مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها

سیر نزول، تفرقه‌افکنی، سوره توبه، جامعه نبوی، مدیریت چالش‌های اجتماعی.

۱. مقدمه

تفرقه‌افکنی به عنوان یکی از بحران‌های ساختاری در تاریخ جوامع اسلامی، همواره تهدیدی جدی علیه وحدت و انسجام امت اسلامی بوده است. علیرغم تأکید صریح قرآن کریم بر ضرورت وحدت (انبیاء، ۲؛ مومنون، ۵۲؛ آل عمران، ۱۰۳)، شکاف‌های اجتماعی و سیاسی در طول تاریخ اسلام تا حدی گسترش یافته که نیاز به بازخوانی راه کارهای مدیریت گستره تفرقه در منابع اولیه، به‌ویژه قرآن و سیره نبوی، را ضروری ساخته است. مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل چگونگی پیچیدگی ابعاد و تحول روش‌های تفرقه‌افکنی در جامعه نبوی با رویکرد تفسیر تنزیلی و راه کارهای مدیریت آن با محوریت سوره توبه است. این مطالعه بر این پرسش استوار است که چگونه قرآن کریم، با توجه به تحولات مرحله‌ای جامعه اسلامی، به‌ویژه در آخرین دوره نزول همزمان با نزول سوره توبه، به ابعاد و گستره تفرقه‌افکنی پاسخ داده و چه الگوهایی را برای مدیریت آن ترسیم کرده است؟ اجزای اصلی این مسئله شامل بررسی سیر تکاملی گستره و شیوه‌های تفرقه‌افکنی در چهار مرحله سیر نزول قرآن کریم، بررسی مصادیق تفرقه‌افکنی در جامعه نبوی بر پایه آیات سوره توبه، راه کارهای خاصی که سوره توبه در مرحله تثبیت جامعه اسلامی برای مقابله با این پدیده ارائه می‌دهد.

ضرورت این پژوهش در دو سطح تبیین می‌شود: اولاً، با توجه به گسترش پدیده تفرقه در جوامع معاصر اسلامی، شناخت سیر تکاملی پاسخ قرآن به این چالش می‌تواند راهگشای طراحی راهبردهای مؤثر در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باشد. ثانیاً، سوره توبه به‌عنوان آخرین سوره مدنی، سند قطعی برای مدیریت این تهدید در مرحله بحرانی تثبیت جامعه اسلامی است که مطالعه جامع آن، خلأ مهمی را پر می‌کند. هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین پیچیدگی ابعاد و تحول روش‌های تفرقه‌افکنی در سیر نزول قرآن کریم، شناسایی مصادیق آن در جامعه نبوی بر اساس سوره توبه، و استخراج راه کارهای مدیریتی پیشنهادی آیات سوره توبه برای مقابله با این چالش است. این پژوهش نه تنها گامی در جهت تکمیل پژوهش‌های تفسیر تطبیقی-تنزیلی بر می‌دارد؛

بلکه چهارچوبی کاربردی برای تحلیل و مقابله با گستره و شیوه‌های تفرقه در جوامع اسلامی معاصر ارائه خواهد داد.

۲. پیشینه پژوهش

تفرقه‌افکنی از چالش‌های مهم در مسیر انسجام اجتماعی است که در جامعه نبوی نیز از شروع دعوت اسلامی تا مرحله تثبیت حکومت وجود داشته و قرآن کریم آن را تهدیدی جدی برای وحدت امت معرفی کرده است. بررسی این مفهوم براساس رویکرد تفسیر تنزیلی نشان می‌دهد که گستره و شیوه‌های تفرقه‌افکنی در سیر نزول قرآن دارای روندی تحولی است؛ از این رو تحلیل مرحله‌ای مصادیق آن در جامعه نبوی و واکاوی راه کارهای سوره توبه - به عنوان سوره‌ای متعلق به مرحله تثبیت جامعه اسلامی - ضرورت می‌یابد. با این حال، بیشتر پژوهش‌های پیشین بدون توجه به این سیر تحولی به بررسی موضوع پرداخته‌اند.

در حوزه عوامل و پیامدهای تفرقه، پژوهش «عوامل و پیامدهای تفرقه امت و راه کارهای مقابله با آن از دیدگاه قرآن» (توکل‌ی مردخی، ۱۴۰۱) عواملی چون غفلت از توحید و پیروی از هوای نفس را برجسته کرده و بازگشت به اصول قرآنی را راه کار اساسی دانسته است. در زمینه انسجام بخشی، «راه کارهای انسجام اسلامی در سیره نبوی» (عطایی، ۱۳۸۸) بر مشارکت اجتماعی و عدالت مدیریتی تأکید دارد و «مأموریت پیامبر اکرم ﷺ برای انسجام جامعه از منظر سوره توبه» (جیت‌چیان، ۱۴۰۱) امر به معروف و نهی از منکر را ابزار راهبردی جلوگیری از تفرقه معرفی می‌کند. در بعد فقهی نیز «مبانی فقهی احکام تفرقه‌افکنی» (کریمی مرید و همکاران، ۱۴۰۱) تفرقه‌افکنی را از گناهان کبیره دانسته و بر ضرورت تبیین ضوابط شرعی تأکید می‌کند؛ دیدگاهی که با «جستار اختلاف‌افکنی» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲) همسو است؛ همچنین در مطالعات تاریخی و نظری، پژوهش‌هایی چون «آیین نبوی در ریشه‌کنی فتنه‌ها» (السحمرانی، ۱۳۸۶) و «اتحاد و انسجام» (عیوضی، ۱۳۸۶) بر نقش اخلاق، برادری ایمانی و تبعیت از رهبری الهی در تحقق وحدت تأکید کرده‌اند. با وجود این، بیشتر این مطالعات به رویکرد موضوعی یا موردی محدود شده و

کمتر به تحلیل پیچیدگی ابعاد و تحول روش‌های تفرقه‌افکنی بر اساس ترتیب نزول قرآن پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با تکیه بر تفسیر تنزیلی و تحلیل چهار مرحله‌ای گستره و شیوه‌های تفرقه‌افکنی، می‌کوشد با پرکردن این خلأ، نقش سوره توبه را در ارائه الگویی مدیریتی برای مواجهه با تفرقه‌افکنی در فرایند تمدن‌سازی اسلامی تبیین کند.

۳. مفهوم‌شناسی

در این پژوهش، مفاهیم کلیدی تفرقه‌افکنی، جامعه نبوی و سوره توبه بررسی شده‌اند.

۳-۱. تفرقه‌افکنی

تفرقه‌افکنی در صدر اسلام از آسیب‌های مهم اجتماعی و دینی بود که به سستی وحدت جامعه اسلامی، گسترش فتنه‌ها و نفوذ دشمنان می‌انجامید. قرآن کریم به‌ویژه در سوره توبه این پدیده را نکوهش کرده و آن را به منافقان و ضعیف‌الایمانان نسبت می‌دهد. از نظر لغوی، «تفرقه» از ریشه «فَرَقَ» به معنای جدایی است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۹، صص ۷۴-۷۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۹۳؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، صص ۱۶۶-۱۶۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۹۹). در نگاه قرآنی، تفرقه به معنای خروج از مسیر ایمان و گسستن از «حبل‌الله» است؛ چنان‌که آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل‌عمران، ۱۰۳) بر ضرورت وحدت تأکید دارد. علامه طباطبایی منشأ تفرقه را ترک اعتصام به ریسمان الهی می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۴۱۸) و مفسران «حبل‌الله» را دین، قرآن، ولایت و توحید تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۷۲؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۶۴۵). قرآن همچنین هشدار می‌دهد که تفرقه پس از روشن شدن حق موجب عذاب و انحطاط می‌شود (آل‌عمران، ۱۰۵) و اختلاف در اصول اعتقادی به تشتت و ضعف امت می‌انجامد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۲۹۹). در مقابل، «انسجام» به معنای پیوستگی و همگرایی اجتماعی است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۶؛ بیرو، ۱۳۷۵، ذیل واژه) که به گفته علامه مصباح یزدی وحدتی بر محور ایمان و ارزش‌های الهی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۲). آیات «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (انبیاء، ۹۲؛ مؤمنون، ۵۲) بر یگانگی امت تأکید داشته و جدایی از آن را عامل ضعف و نزاع

می‌دانند (آل عمران، ۱۰۳؛ حجرات، ۱۰؛ انعام، ۱۵۹). پیامبر اکرم ﷺ مؤمنان را همچون بنایی استوار معرفی کرده (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۷۷۹) و اهل بیت (علیهم السلام) را محور وحدت دانسته است (شریف رضی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۵۲). امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز از فرقه‌گرایی نهی کرده و منشأ آن را تحریکات شیطان و تعصبات دانسته است (شریف رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۲۷، ص ۲۴۱؛ خطبه ۱۲۱، ص ۲۳۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۲۴۸؛ حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۱۱). تجربه پیمان اخوت و میثاق مدینه نمونه‌ای عملی از انسجام در جامعه نبوی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۳). در نتیجه، تفرقه‌افکنی ایجاد آگاهانه اختلاف در بنیان‌های ایمانی و اجتماعی و گسستن از «حبل‌الله» است که به تضعیف امت می‌انجامد، در حالی که انسجام عامل اقتدار و استمرار رسالت اسلامی به‌شمار می‌رود.

۲-۳. جامعه نبوی

واژه جامعه با وجود کاربرد گسترده، فاقد تعریفی جامع و مانع در علوم اجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶؛ گولد و کولب، ۱۳۷۶، ص ۲۸۷). اگرچه این واژه در قرآن نیامده، اما مفاهیمی چون امت، طائفه و قریه بیانگر الگوهای اجتماعی در نگاه وحیانی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۴). قرآن جامعه را مجموعه‌ای با سرنوشت، نامه عمل و شعور جمعی می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۹۶). جامعه نبوی نیز که در مکه شکلی پراکنده داشت، پس از هجرت بر پایه توحید و قوانین الهی به نظامی اجتماعی-سیاسی تبدیل شد (بهجت‌پور، ۱۳۹۵، ص ۸۸). بر اساس نظریه فرایند تحول دینی-تمدنی (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، صص ۵۲۰-۵۲۳)، شکل‌گیری این جامعه براساس آیه ۲۹ سوره فتح «كَزَّزِعَ أَخْرَجَ شَطَاةً فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ» و سیر نزول سوره‌ها (بهجت‌پور، ۱۳۹۷، ص ۱۷)، در چهار مرحله تکاملی صورت گرفته است: هویت‌سازی پنهان (نزول، ۱-۵۴): تکیه بر ایمان فردی و عدم بروز اجتماعی؛ تمایز فرهنگی (نزول، ۵۵-۸۶): اعلام آشکار هویت، نقد شرک و مرزبندی میان مؤمن و مشرک؛ استقرار سیاسی (نزول، ۸۷-۱۱۲): نهادینه‌شدن ارزش‌های اسلامی در ساختارهای حقوقی و اجتماعی؛ تثبیت جامعه اسلامی (نزول، ۱۱۳-۱۱۴): پایداری جامعه برای دوران پس از نبوت، آسیب‌شناسی نفاق و تأکید بر ولایت و فقاقت

و گذار از جامعه نبوی به امت اسلامی. این فرایند نشان‌دهنده مدیریت راهبردی وحی در بنای گام‌به‌گام بنیان‌های تمدن اسلامی است. مراد از جامعه نبوی در این پژوهش مرحله تثبیت جامعه اسلامی همزمان با نزول سوره توبه است.

۳-۳. سوره توبه

سوره توبه (نزول، ۱۱۴)، نهمین سوره قرآن کریم، از سوره‌های مدنی و از آخرین سوره‌های نازل شده است که در سال نهم هجری، پس از فتح مکه و پیش از غزوه تبوک نازل شده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، صص ۳۰۴-۳۴۸). این سوره با ۱۲۹ آیه در شمار سوره‌های طولانی قرآن قرار دارد و به سبب شروع نشدن با «بسم الله الرحمن الرحيم»، از دیگر سوره‌ها متمایز است؛ امری که برخی مفسران آن را نشانه اعلام قطع رابطه الهی با مشرکان دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۱۲). محتوای سوره با لحنی قاطع به مسائل اجتماعی و سیاسی همچون جهاد، انفاق، زکات، هجرت، منافقان و اهل کتاب می‌پردازد و در مجموع، به عنوان سندی مهم در تثبیت حاکمیت اسلامی، تقویت انسجام امت و پیشگیری از فتنه‌ها، نقشی اساسی در تکامل جامعه نبوی و گذار آن به امت اسلامی ایفا می‌کند.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تحلیل پیچیدگی ابعاد و تحول روش‌های تفرقه‌افکنی در سیر نزول آیات، شناسایی مصادیق آن در جامعه نبوی و استخراج راه‌کارهای مدیریتی مبتنی بر سوره توبه، با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر پایه تفسیر تنزیلی انجام شده است؛ رویکردی که با تکیه بر ترتیب نزول آیات، روند تدریجی تحول مفاهیم را در بستر تاریخی جامعه نبوی آشکار می‌سازد (دروزه، ۱۴۲۱ق؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۰). الگوی تحلیل نیز بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها، مطابق دیدگاه مفسران و قرآن‌پژوهان این حوزه، سامان یافته است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۹۹؛ بهجت‌پور، ۱۳۸۹، ج ۱، صص ۹۳-۱۲۶؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲، صص ۳۰۴-۳۴۸). در گام نخست، با بهره‌گیری از روش مهندسی معکوس، چهارچوبی تاریخی-ساختاری برای بازسازی مراحل تحول روش‌های تفرقه‌افکنی از دوره مکی تا

مدنی ارائه شده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۶، ص ۷۴). در گام دوم، راه کارهای قرآنی مدیریت این چالش در مرحله تثبیت جامعه اسلامی استخراج و برای تطبیق در جوامع معاصر تحلیل شده است؛ از این رو پژوهش ماهیتی کاربردی دارد.

داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و از طریق منابع معتبر و پایگاه‌هایی مانند Noormags، Google Scholar و SID گردآوری شده و معیار انتخاب منابع، اصالت، اعتبار علمی و ارتباط مستقیم با موضوع بوده است. در مرحله تحلیل، راه کارهای مدیریتی قرآنی شامل تحلیل نقش منافقان در تضعیف وحدت اجتماعی، مدیریت اختلاف افکنی، راهبردهای الهی در افشای منافقان در سوره توبه و راه کارهای سازنده پیامبر اکرم ﷺ در تحکیم انسجام امت بررسی و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، الگوها، مقوله‌های اجتماعی- فرهنگی و روابط مفهومی میان آیات و روایات استخراج شده است. برای اعتباربخشی نیز از تلفیق منابع تفسیری، تاریخی و روایی و تطبیق سه گانه قرآن، سیره و تفسیر بهره گرفته شده است. این روش شناسی امکان ارائه الگویی قرآنی-نبوی برای مدیریت تفرقه افکنی و تقویت انسجام امت اسلامی بر پایه تعالیم سوره توبه را فراهم می‌سازد.

۵. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با بهره‌گیری از روش تفسیر تنزیلی و رویکرد مهندسی معکوس (بهجت‌پور، ۱۳۹۶، ص ۷۴)، تحول گستره و شیوه‌های تفرقه افکنی در قرآن کریم بررسی شده است. این روش بر اصل نزول تدریجی قرآن (بهجت‌پور، ۱۳۸۸، ص ۳۶) تکیه دارد و با تحلیل مفاهیم در بستر تاریخی نزول، امکان فهم پویای آموزه‌های اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌کند.

۵-۱. تحول گستره و شیوه‌های تفرقه افکنی و تهدید انسجام در سیر نزول قرآن کریم

تحول گستره و شیوه‌های تفرقه افکنی و متعاقباً تهدید انسجام امت در سیر نزول قرآن، هم‌زمان با رشد جامعه ایمانی، از یک انحراف فردی اخلاقی به یک بحران تمدنی و سازمانی گسترش می‌یابد. این سیر را می‌توان در چهارچوب مراحل هدایت وحی چنین تبیین کرد:

۵-۱-۱. مرحله‌ی هویت‌سازی پنهان (از سوره علق تا حجر): تفرقه به مثابه انحراف

فردی

در شروع دعوت پیامبر ﷺ، جامعه اسلامی هنوز ساختار اجتماعی منسجم نداشت و تفرقه در این مرحله بیشتر شکل فردی و اعتقادی داشت، نه سیاسی. واگرایی از مسیر ایمان در این دوره ناشی از پیروی از هوی و ضعف در باور قلبی بود. قرآن منشأ آن را در «مرض قلبی» معرفی می‌کند: «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» (مدثر، ۳۱). به گفته‌ی علامه طباطبایی، این افراد مؤمنانی متزلزل‌اند که در ایمان خود دچار تردید بوده و از نظر اجتماعی نفوذی ندارند؛ هرچند گاه در برابر آیات الهی موضعی مشابه کفار اتخاذ می‌کنند، اما تأثیرشان محدود و فاقد قدرت ایجاد تفرقه در جامعه است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۱۴۲)؛ از این رو، تفرقه در این سطح نوعی بازگشت از هدایت الهی است، نه حرکتی سیاسی سازمان‌یافته. در پایان این مرحله، قرآن با تصویر «إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ» (حجر، ۴۷)، الگوی ازلی انسجام ایمانی را در اخوت بهشتی مؤمنان ترسیم می‌کند.

۵-۱-۲. مرحله‌ی تمایز فرهنگی (از سوره انعام تا مطففین): تفرقه به عنوان واگرایی

ایدئولوژیک

با گسترش دعوت نبوی و تثبیت آموزه‌های توحید، مرز فرهنگی میان مؤمنان و مشرکان شکل گرفت و پدیده‌ی تفرقه از سطح فردی به مرحله‌ی فکری و اعتقادی ارتقا یافت. قرآن «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (انعام، ۱۵۳)، مسیر الهی را به عنوان «صراط مستقیم» معرفی کرده و هشدار می‌دهد که پیروی از راه‌های متعدد موجب انشعاب از مسیر حق می‌شود. در ادامه، آیه‌ی «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَّسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ» (انعام، ۱۵۹)، تفرقه در دین را به منزله‌ی خروج از مرز ایمان و گناهی آشکار می‌داند (سیوطی، ۱۹۹۱، ص ۱۳۴). در این دوره، اختلاف‌ها عمدتاً ایدئولوژیک بودند و بر سر توحید، شریعت و رهبری پیامبر ﷺ پدید می‌آمدند، امری که مانع شکل‌گیری هویت واحد امت اسلامی شد.

قرآن در آیه «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ

أَرْجُلَكُمْ أَوْ يَلْسِكُمْ شَيْعًا وَيَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» (انعام، ۶۵)، تفرقه و تبدیل شدن امت به گروه‌های متخاصم را نوعی عذاب الهی معرفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۶۷۹). فخر رازی این اختلافات را ناشی از بغی و پیروی از هوی پس از شناخت حق می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۱۲۳). زمینه‌ی اصلی این واگرایی‌ها، دوری از رهبران الهی و غفلت از توصیه‌ی پیامبر ﷺ درباره‌ی تمسک هم‌زمان به قرآن و عترت است (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۶، صص ۱۵۷-۱۵۸).

خداوند در آیه‌ی «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری، ۱۳)، عصاره‌ی پیام انبیا را اقامه‌ی دین و پرهیز از تفرقه می‌خواند. علامه طباطبایی تفرقه را یا ترک بخشی از احکام یا اختلاف در اصول دین می‌داند و پرهیز از آن را وظیفه‌ی پیامبران اولوالعزم معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۳۰)؛ همچنین، تفرقه ریشه در ظلم، حسد و تبعیض در اقامه‌ی دین دارد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۴). جوادی آملی نیز آن را هم‌سنگ دستور اقامه‌ی کامل دین دانسته است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۲۹۲). در سوره‌ی عنکبوت، قرآن زمینه‌های روانی و اجتماعی تفرقه را ضعف ایمان و عدم صبر در آزمایش‌ها (آیات ۲-۳)، دلبستگی به دنیا (آیه ۱۰) و اعتماد به غیر خدا (آیه ۴۱) می‌داند. تشبیه خانه‌ی عنکبوت به پناهگاه سست، نماد دوری از توکل الهی و نشانه‌ی فروپاشی پیوند ایمانی است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۱۹۴). در نتیجه، با استقرار آموزه‌های توحید در مدینه، تفرقه در میان اهل ایمان صورتی دینی و اعتقادی یافت و به بروز نفاق و اختلاف در رهبری انجامید. راه‌کار قرآنی در این مرحله، بازگشت به وحدت عقیدتی، اجماع بر اصول دین، و پرهیز از جدال‌های ایدئولوژیک است که استمرار امت توحیدی را تضمین می‌کند.

۳-۱-۵. مرحله‌ی استقرار سیاسی (نزول سوره‌های بقره تا فتح): تفرقه به مثابه

تهدید ساختاری

با هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و تشکیل جامعه اسلامی، تفرقه از سطح اعتقادی به مرحله‌ای اجتماعی و سیاسی ارتقا یافت و به تهدیدی برای وحدت امت و بقای حکومت نوپا تبدیل شد. قرآن در این مرحله، واگرایی را منشأ فتنه و تضعیف قدرت

جمعی دانسته و مؤمنان را به اتحاد، انقیاد و یکپارچگی عمومی دعوت می‌کند. در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» (بقره، ۲۰۸) دعوت فراگیر به وحدت و همبستگی را مطرح می‌کند و تفرقه را از عمل شیطان معرفی می‌نماید (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۸۷) که بارزترین مظهر عداوت او، ایجاد فتنه و آشوب و اختلاف و تفرقه است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۳۴).

تداوم این دعوت با خطاب «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳) نمود پیدا می‌کند که به صورت آشکار دستور به اتحاد حول محور قرآن و سنت و حفظ دولت نوپا است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۷۴). قیدهای «جمیعاً» و «لا تفرقوا» بیانگر ضرورت انسجام جمعی است؛ قرآن این وحدت را نعمتی الهی و زمینه‌ی اخوت معرفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۷، ص ۱۷۹). آیه‌ی «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» (ال عمران، ۱۰۵) با اشاره به سرنوشت امت‌های گذشته هشدار می‌دهد که تفرقه پس از دریافت بینة‌های الهی، هم در عقیده و هم در عمل اجتماعی ظهور می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۵۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۸۰). تفرقه، به گفته‌ی جوادی آملی، عامل انحطاط اجتماعی و زوال وحدت درونی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۳۷۹). همین معنا با تعبیر «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال، ۴۶) به شکل قانون اجتماعی ظهور می‌یابد: نزاع داخلی موجب از دست رفتن اقتدار بیرونی می‌شود (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۴۵۶). قرآن شکست مسلمانان در جنگ احد را نتیجه‌ی همین تفرقه درونی می‌داند. در این دوره، تفرقه در جامعه دینی اشکال گوناگونی داشت:

تفرقه در دین ابراهیمی: آیه «وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» (بقره، ۲۱۳) بیان می‌کند که علمای بنی اسرائیل با وجود آگاهی از حق، به دلیل حسد و ظلم درونی باعث تفرقه شدند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۹۲). این الگو هشدار نسبت به تکرار تاریخ انشعاب در امت اسلام است.

تفرقه‌افکنی منافقان: در سوره منافقون، روحیه استکباری منافقان در شعار «يُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ» (منافقون، ۸) نشانه‌ی تفرقه‌انگیزی آنان و تلاش برای تجزیه ساختار سیاسی مدینه است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۴۸۶).

در جمع‌بندی، قرآن در این مرحله‌ی تفرقه را نه تنها اختلاف فکری، بلکه نقض نظام اجتماعی و تضعیف اراده‌ی سیاسی امت می‌داند. راه‌حل قرآنی برای مقابله با آن، اتحاد عملی حول محور ایمان، عدالت و رهبری الهی است؛ امری که استمرار دولت اسلامی را تضمین می‌کند.

۴-۱-۵. مرحله‌ی تثبیت جامعه اسلامی (سوره‌های مائده و توبه): تفرقه به عنوان

پروژه ضدتمدنی سازمان‌یافته

در مرحله بلوغ اجتماعی و سیاسی مدینه، قرآن کریم تفرقه را از سطح یک انحراف فکری به سطح تهدید امنیتی سازمان‌یافته ارتقا می‌دهد. این تهدید، حاصل ائتلاف دشمنان داخلی (منافقان) و خارجی است و در قالب عملیات‌هایی آشکار یا پنهان برای آسیب به انسجام امت بروز می‌کند. نمونه‌ی شاخص این روند، واقعه مسجد ضرار است: «لَا يَرَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ» (توبه، ۱۱۰)؛ ابن‌کثیر آن را نماد نفاق می‌داند، بنایی که ظاهراً مذهبی اما در حقیقت، پایگاهی برای تفرقه و توطئه‌گری است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، صص ۱۸۴-۱۸۵). این رویداد نشان می‌دهد تفرقه در این مرحله، شکلی سازمان‌یافته و هدفمند علیه نظام حاکم دارد. قرآن، ولایت‌پذیری را به مثابه فیلتری برای حفظ انسجام امت است. ممنوعیت اتخاذ ولایت یهود و نصاری (مائده، ۵۱)، در واقع تعیین یک مرز استراتژیک محسوب می‌شود؛ زیرا این امر، عین تضعیف درونی جامعه مؤمنان و پذیرش صریح یک جریان تفرقه‌افکنانه از سوی خارج است. در مقابل، قرآن با تاکید بر «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه، ۷۱) انسجام را به عنوان ماهیت ذاتی امت توصیف می‌کند.

در مرحله‌ی تثبیت جامعه اسلامی، قرآن از هشدار اخلاقی فراتر می‌رود و به اقدام قاطع سیاسی و امنیتی فرمان می‌دهد: «فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ» (توبه، ۱۲)، که تمرکز بر رهبران تفرقه‌افکن دارد. گرچه راه بازگشت به ایمان از طریق اقامه نماز و پرداخت زکات همچنان ممکن است، اما مقابله با سردمداران فتنه امری الزام‌آور شمرده می‌شود. در تحلیل سیر نزولی قرآن، پیچیدگی ابعاد و روش‌های تفرقه‌افکنی، تحول تدریجی

دارد: در مکه، تفرقه به عنوان انحراف اخلاقی و اعتقادی معرفی می شود. در آغاز مدینه، به هشدار اجتماعی و ایدئولوژیک تبدیل می گردد. در دوران بلوغ حکومت نبوی، به تهدید امنیتی ساختاری تعبیر می شود. این تحول، بیانگر پویایی مدیریت اجتماعی قرآن است؛ از موعظه و تربیت تا دفاع و اقدام امنیتی. در نتیجه، وحدت امت نه تنها هدفی معنوی، بلکه ضرورتی سیاسی و راهبردی برای حفظ موجودیت جامعه اسلامی است.

۵-۲. مصادیق تفرقه افکنی در جامعه‌ی نبوی بر پایه‌ی سوره‌ی توبه

سوره‌ی توبه در بستر تاریخ واپسین سال‌های حیات پیامبر ﷺ، پدیده‌ی تفرقه افکنی را در سطحی ساختاری و امنیتی باز می نماید؛ نه تنها در قالب گسست‌های فردی، بلکه به عنوان چالشی سازمان یافته علیه وحدت امت اسلامی. در این سوره، چند مصداق برجسته از تفرقه معرفی شده است که یکی از بنیادی‌ترین آن‌ها، پدیده‌ی نسیء یا تغییر ماه‌های حرام است.

۵-۲-۱. تحریف نظم دینی و زمانی : نسیء

آیه‌ی ۳۷ سوره‌ی توبه «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحْلَوْنَ عَامًا وَيُكْرَهُونَهُ عَامًا...» به سنت جاهلی تغییر ماه‌های حرام اشاره دارد؛ سنتی که مشرکان - به ویژه قبیله‌ی بنی کنانه - با آن تقویم عبادی را دستکاری می کردند تا زمان‌های ممنوع جنگ و تجارت را به نفع منافع قبیله‌ای خود تغییر دهند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، صص ۸۸-۹۳؛ واحدی، ۱۹۹۱م، ص ۱۸۹). قرآن این رفتار را افزایشی در کفر و نوعی تحریف نرم و بنیادین در نظام الهی معرفی می کند. علامه طباطبایی، «نسیء» را نه خطای محاسباتی، بلکه جلوه‌ای از استکبار بر شریعت و گمراهی اجتماعی می داند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۳۶۴). قرآن با صراحت این کار را «زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ» معرفی می کند. چون هم تصرف در احکام الهی بود و هم نشانه تمرد از دستورات خداوند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۴۴). تحلیل تفسیری و جامعه‌شناختی منابع سه پیامد عمده را نشان می دهد:

▪ اختلال در وحدت عبادی و دینی: جابه‌جایی زمان‌های حج و عبادت، موجب

شکاف میان قبایل و تضعیف همبستگی در اجرای شعائر شد (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۹، صص ۳۶۸-۳۷۰).

▪ تضعیف قداست قوانین الهی: با تکرار تغییرات، حرمت ماه‌های حرام در ذهن مردم سست شد و گناه به امری عادی تبدیل گردید (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۴۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۹، ص ۳۶۴).

▪ سلطه‌طلبی و منافع قبیله‌ای: نخبگان قریش با کنترل تقویم، قانون الهی را در خدمت اقتصاد و قدرت خود قرار دادند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، ص ۴۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۹، ص ۲۷۴).

پدیده‌ی نسیء، فراتر از تحریف زمانی، نماد تفرقه‌افکنی فرهنگی و دینی در جامعه جاهلی بود. این عمل، وحدت زمانی و عبادی امت را متلاشی و بستر سلطه‌ی طبقاتی را مهیا ساخت. قرآن با تأکید بر «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ» این انحراف را محکوم و با آیه‌ی «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا» نظم الهی را احیا کرد. این تحلیل، جلوه‌ای علمی از درک قرآن نسبت به خطر دخالت انسان در نظام‌های الهی برای اهداف مادی و سیاسی است؛ دخالتی که به‌طور مستقیم ساختار وحدت دینی را تهدید می‌کند.

۵-۲-۲. تفرقه‌افکنی انفعالی: کناره‌گیری از جهاد

در سوره‌ی توبه، گستره و شیوه‌های تفرقه‌افکنی به سطحی کاملاً اجتماعی و امنیتی ارتقا می‌یابد؛ نشانه‌ای از نفاق سازمان‌یافته که بنیان انسجام امت اسلامی را تهدید می‌کند. آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی توبه، کناره‌گیری منافقان از جهاد را نشانه‌ای از بی‌ایمانی قلبی و نفاق درونی می‌داند: «إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَازْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ» (توبه، ۴۵) به تعبیر ابن عباس، این بهانه‌تراشی‌ها برای ترک تبوک، تلاشی حساب‌شده در جهت تضعیف روحیه‌ی جمعی مؤمنان بود (ابن عباس، ۱۴۲۵ق، ص ۱۶۷). طبرسی در مجمع‌البیان، این رفتار را نماد نفاق اجتماعی می‌داند که اعتماد عمومی را سست و جامعه را دچار شکاف روانی می‌سازد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۱۱۲). فخر رازی نیز ریشه‌ی آن را در تردید قلبی می‌بیند؛ حالتی که مشارکت در امور

جمعی را مختل می کند و موجب انزوا و واگرایی در امت می شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، صص ۶۳-۶۵). علامه طباطبایی تأکید می کند که ایمان حقیقی، با آمادگی برای فداکاری همراه است؛ در حالی که نفاق در پوشش احتیاط، به آسایش طلبی و کناره گیری اجتماعی می انجامد (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۳۸۸) بر همین اساس، آیه «لَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً» (توبه، ۴۶) بیانگر فقدان عزم و اراده ی ایمانی است. در نتیجه، بی عملی منافقان مصداق تفرقه افکنی خاموش است؛ زیرا از طریق رخوت و بی تعهدی، نیروی روحی-اجتماعی امت را تحلیل می برد و در زمان خطر، انسجام دفاعی را از درون فرسوده می کند.

۵-۲-۳. تفرقه افکنی نهادی: مسجد ضرار

آیات ۱۰۷ تا ۱۱۰ توبه، ساخت مسجد ضرار را نمونه ی بارز تفرقه ی سازمان یافته معرفی می کند: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» (توبه، ۱۰۷) براساس گزارش ابن هشام، منافقان مسجدی مقابل مسجد قبا بنا کردند تا مرکز نفوذ سیاسی و مذهبی رقیب پیامبر ﷺ پدید آورند (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۵۲۹). قرآن این اقدام را بر سه محور بیان می کند؛ ضراراً: آسیب پنهان به وحدت امت، کفرأ: پوشش دینی برای هدف باطل، تفریقاً بین المؤمنین: شکستن همبستگی ایمانی و سیاسی. علامه طباطبایی تصریح می کند که هدف اصلی بنیان گذاران، نه عبادت بلکه ایجاد دوگانگی رهبری در جامعه ی نبوی بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، صص ۵۳۰-۵۳۱). از این رو فرمان قاطع «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا» (توبه، ۱۰۸) صادر شد تا از هرگونه مشروعیت مذهبی نهادهای فرقه ساز جلوگیری شود. به تعبیر قرآن، تنها مسجدی که «أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ» (توبه، ۱۰۸) پایه ای الهی دارد، می تواند نماد واقعی عبادت و وحدت باشد.

ساختار اجتماعی مدینه - شامل مهاجران، انصار، منافقان، و اقلیت های یهودی - زمینه ی بروز رقابت های قبیله ای و منافع متعارض را داشت. عبدالله بن ابی بن سلول با استفاده از ابزارهایی چون شایعه پراکنی، تمسخر مؤمنان و تحریک قبیله ای، به تضعیف اقتدار پیامبر ﷺ پرداخت و حادثه ی مسجد ضرار را سازمان داد (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۴).

پیوند منافقان با قبایل یهودی مانند بنی قریظه و بنی نضیر، تفرقه را به ابعاد اقتصادی و سیاسی نیز گستراند (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۰۴).

سوره ی توبه، ابعاد تفرقه را به عنوان یک جنگ ترکیبی چندلایه (اعتقادی، روانی، نهادی و سیاسی) معرفی می کند و سه سطح مقابله را ترسیم می نماید: افشای نفاق و بی عملی منافقان، منع نهادهای دینی موازی و منحرف، جهاد اجتماعی برای حفظ وحدت امت. در مجموع، این سوره منشور قرآنی مصونیت اجتماعی امت اسلامی است؛ رویکردی که پیامبر ﷺ در مدیریت جامعه ی مدینه دنبال کرد تا با تمسک به قرآن، وحدت و تعهد جمعی را به مثابه مهم ترین سرمایه ی سیاسی و معنوی امت پاس دارد. به همین دلیل، تحلیل راهبردهای پیامبر برای مهار پیچیدگی ابعاد تفرقه افکنی، در ادامه ی پژوهش قابل بررسی است.

۶. مدیریت ابعاد و گستره تفرقه افکنی با محوریت سوره توبه

در جامعه نبوی، تفرقه افکنی یکی از چالش های مهم فرهنگی-اجتماعی بود که بیشتر از سوی منافقان و بقایای تعصبات قبیله ای پدید می آمد و وحدت امت را تهدید می کرد. سوره توبه، به عنوان یکی از آخرین سوره های نازل شده، نقشی اساسی در افشای این جریان ها و ارائه راه کارهای مقابله با آن ها دارد. در این بخش، نقش منافقان در تضعیف انسجام اجتماعی، راهبردهای الهی در افشای آنان در سوره توبه و شیوه های پیامبر اکرم ﷺ در تقویت وحدت امت در مرحله تثبیت جامعه اسلامی بررسی می شود:

۶-۱. تحلیل نقش منافقان در تضعیف وحدت اجتماعی و مدیریت اختلاف افکنی در سوره توبه

در سوره ی توبه، منافقان به عنوان یکی از مهم ترین عوامل تضعیف وحدت اجتماعی و انسجام امت اسلامی معرفی شده اند؛ به ویژه در جریان غزوه ی تبوک که چهره ی نفاق و شیوه های روانی و اجتماعی آنان در اختلال جمعی آشکار شد. آیات ۴۲ تا ۴۷ نشان می دهد که نفاق، صرفاً یک انحراف فردی نبود؛ بلکه سازوکاری سازمان یافته برای فرسایش همبستگی و گسترش بی اعتمادی اجتماعی به شمار می رفت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹،

ص ۳۸۱). آیه ی ۴۲ بیان می کند که منافقان تنها در صورت آسان و کم هزینه بودن جهاد همراهی می کردند: «لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا... لَا تَتَّبِعُونَكَ وَلَكِنْ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ» (توبه، ۴۲). این رفتار نشان می دهد که انگیزه ی آنان نه ایمان، بلکه منفعت طلبی شخصی بود؛ امری که به تضعیف وحدت جمعی می انجامید. در آیه ی ۴۵ نیز ریشه ی کناره گیری آنان، تردید و ضعف ایمان معرفی شده است: «إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ... وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ» (توبه، ۴۵). مفسران این «ریب» را نشانه ی تزلزل معرفتی و ایمانی دانسته اند؛ طبری آن را نوعی اختلال پایدار در یقین معرفتی می کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۰۰)، جوادی آملی آن را منشأ فتنه انگیزی عملی و بی اعتمادی اجتماعی می داند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۴، ص ۱۶۱)، مکارم شیرازی آن را ابزار ایجاد شبهه و تفرقه میان مؤمنان می شمارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۳۱) و آلوسی آن را نشانه ی گرفتار شدن منافقان در چرخه ای از شک بی پایان می داند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۰۲). آیات ۴۶ و ۴۷ سه شیوه ی اصلی منافقان در تضعیف جامعه را آشکار می سازد: نخست، اخلال روانی و سست کردن اراده ی جمعی از طریق امتناع از جهاد و القای اضطراب؛ دوم، تفرقه افکنی و فتنه سازی از راه شایعه و اطلاعات نادرست، چنان که تعبیر «وَلَا تَوَضُّعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ» (توبه، ۴۷) به همین معنا دلالت دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۶۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۰۳)؛ و سوم، ترویج عقب نشینی و فرار که موجب تضعیف روحیه ی رزمندگان و گسترش ترس و پراکندگی می شد؛ چنان که در برخی گزارش های تاریخی نیز نمونه هایی برای آن ذکر شده است (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۰۶۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۴، ص ۱۸۳). ابن کثیر و زمخشری نیز این رفتارها را الگویی تاریخی از فتنه و تفرقه در درون جامعه ی اسلامی دانسته اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۴۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۶). براین اساس، سوره ی توبه با افشای چهره ی نفاق، مرز میان ایمان و نفاق را روشن می سازد و نشان می دهد که نفاق، نظامی چندلایه از تفرقه افکنی فکری، روانی و اجتماعی است. قرآن با این افشاگری، راهبردی برای حفظ وحدت امت بر پایه ی آگاهی، مراقبت جمعی و شفاف سازی دینی ارائه می دهد و از این رهگذر، الگویی قرآنی برای مدیریت بحران های اجتماعی و صیانت از انسجام امت اسلامی ترسیم می کند.

۲-۶. راهبردهای الهی در افشای منافقان در سوره توبه

سوره‌ی توبه، به‌ویژه در آیات ۴۲ تا ۹۶، راهبردی جامع برای افشای نفاق و صیانت از انسجام امت اسلامی ارائه می‌کند. در آیات ۴۲-۴۸، قرآن با رد بهانه‌های دروغین متخلفان از جهاد، ماهیت فرصت‌طلبانه و دنیاگرایانه‌ی منافقان را آشکار می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، صص ۳۸۰-۳۸۹)؛ همچنین در آیات ۴۹-۵۲، با پرده‌برداری از آرزوی شکست پیامبر ﷺ و شادمانی آنان از مصائب مؤمنان، ابعاد روانی و درونی نفاق را برملا می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۴، ص ۲۰۶). افزون بر این، قرآن در آیات ۵۳-۵۷، پوشش‌های ظاهراً دینی منافقان، مانند انفاق و سوگند، را به‌سبب نیت فاسد و کفر باطنی بی‌اعتبار می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، صص ۴۱۳-۴۱۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۴، ص ۲۰۶) و در آیات ۵۸-۶۰، اعتراض آنان به تقسیم صدقات را ناشی از زیاده‌خواهی و تعارض با عدالت الهی معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۵۴).

در ادامه، سوره‌ی توبه در آیات ۶۱-۶۳، با افشای تبلیغات منافقان علیه رهبری دینی، تخریب اعتماد عمومی را به‌عنوان یکی از ابزارهای نفاق نشان می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۴، ص ۳۴۴)؛ همچنین در آیات ۶۴-۷۲، با تهدید شدید متخلفان از جهاد و انتساب نفاق به آنان، پیوند میان دشمنی با حق و فساد درونی را برجسته می‌سازد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، صص ۴۵۶-۴۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، صص ۲۴-۲۵). در آیات ۷۳ تا ۸۰ نیز بخل، پیمان‌شکنی و فسق اعتقادی از ریشه‌های نفاق معرفی شده و استغفار برای منافقان مردود شمرده می‌شود؛ در همین چهارچوب، جهاد نیز در معنایی گسترده‌تر، شامل مقابله‌ی فرهنگی و نظامی با جریان نفاق دانسته شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۴، صص ۵۳۰-۵۵۹؛ جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۵، ص ۴۲). از دیگر جلوه‌های این رویکرد، در آیات ۸۱-۸۹، افشای شادمانی متخلفان از عدم حضور در جهاد و نهی پیامبر ﷺ از نماز بر جنازه‌ی آنان است که نشان‌دهنده‌ی مرزبندی صریح قرآن با نفاق است (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۵، ص ۷۷)؛ همچنین در آیات ۹۰ تا ۹۶، عذرخواهی‌های فریبکارانه‌ی منافقان رد شده و رضایت الهی از آنان سلب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۵، صص ۱۰۴-۱۴۷). افزون بر این، در آیات مربوط به مسجد ضرار (آیات ۱۰۷-۱۱۲)، هر اقدام تفرقه‌افکنانه و زیان‌بار علیه امت اسلامی محکوم

شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۵، ص ۲۸۲)، و در آیات ۱۲۲-۱۲۹ نیز واکنش منفی منافقان نسبت به نزول سوره، نفاق پنهان آنان را آشکار می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۵۵۸). به‌طور کلی، سوره‌ی توبه با رویکردی تدریجی، نمادین و غیرشخصی، نفاق را از سطح رفتارهای آشکار تا انگیزه‌های پنهان و پیامدهای اجتماعی آن افشا می‌کند و در عین حال، الگوهای عملی برای رهبری دینی و حفظ سلامت اعتقادی و اجتماعی امت ارائه می‌دهد. این ساختار افشاگرانه، نه تنها برای طرد منافقان، بلکه در راستای اصلاح، پالایش و تقویت همبستگی ایمانی جامعه مؤمنان طراحی شده است.

۳-۶. راه کارهای سازنده پیامبر ﷺ در تحکیم انسجام امتی با محوریت سوره توبه

در سیره پیامبر اکرم ﷺ، بر اساس آموزه‌های سوره توبه، مجموعه‌ای از راه کارهای سازنده برای مقابله با ابعاد تفرقه و تقویت انسجام امت اسلامی شکل گرفت. این راهبردها را می‌توان در سه محور هویتی، ساختاری و رفتاری تحلیل کرد.

نخست، شکل‌دهی هویت امتی بر پایه آموزه‌های سوره توبه است. این سوره با تأکید بر اصول اساسی اسلامی، هویت جمعی مؤمنان را بر پایه آموزه‌های الهی شکل می‌دهد. از مهم‌ترین اقدامات پیامبر ﷺ، جداسازی منافقان از جامعه ایمانی بود؛ زیرا افشای نقش تفرقه‌افکن آنان (همچون ماجرای مسجد ضرار): «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا...» (توبه، ۱۰۷) موجب پالایش درونی امت و استواری وحدت شد. این افشاگری، هویت امتی را بر پایه تقوا و وحدت تعریف می‌کند و مانع نفوذ عناصر تفرقه‌افکن می‌شود. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۰) همچنین سوره با صدور معیارهای لازم‌الاجرا مانند لزوم بیزاری از مشرکان (توبه، ۵-۱)، تقویت روحیه جمعی از طریق پاداش جهاد (توبه، ۸۸-۸۹) و توکل بر خدا (توبه، ۵۱)، مرزهای هویت امتی را از وابستگی‌های قبیله‌ای و مادی جدا می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۱۴۶). افزون‌براین، توصیف صفات مؤمنان حقیقی (توبه، ۷۱-۷۲) الگوی عملی وحدت فکری و اجتماعی امت را ارائه می‌کند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۲۳) آیه ۷۱ سوره توبه، سه عنصر اساسی هویت امتی را مشخص می‌کند؛ ۱. ولایت متقابل: این مفهوم به معنای آن است که مؤمنان در محبت، یاری و کمک به یکدیگر مسئولیت

دارند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۰۰) ۲. مسئولیت اجتماعی مشترک: اجرای امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه همگانی؛ ۳. فراگیری جنسیتی در هویت ایمانی: بیان صریح «مؤمنون و مؤمنات» نشان‌دهنده فراگیربودن این هویت است. عبارت «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» نشان‌دهنده پیوند عمیق و همبستگی آنها بر اساس ایمان اسلامی است. این پیوند به معنای نزدیکی و اتحاد در دین و حمایت از یکدیگر است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۵۱). این آیه اساس انسجام جامعه اسلامی را امر به معروف، نهی از منکر، و ولایت متقابل معرفی می‌کند. براین اساس، امت اسلامی بر پایه ایمان و پیوند قلبی میان مؤمنان شکل می‌گیرد و در برابر نفاق و منافع زودگذر استحکام می‌یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۳۶؛ طبرسی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۵۲). مشارکت جمعی مسلمانان در غزوه تبوک نیز نمونه‌ای عملی از این همبستگی ایمانی و تقویت هویت امتی بود (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۰۲۲). در نتیجه، مفهوم «امت واحده» در سوره توبه بر پایه ایمان و ولایت متقابل شکل می‌گیرد و از مرزهای قومی و خونی فراتر می‌رود.

دوم، تحول ساختاری جامعه از روابط قبیله‌ای به پیوندهای امتی است. پیامبر ﷺ با اجرای آموزه‌های سوره توبه، نظام اجتماعی جامعه اسلامی را از تعصبات قبیله‌ای به همبستگی مبتنی بر ایمان تغییر داد. آیه ۲۴ سوره توبه («قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَرْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ») با تأکید بر تقدم محبت خدا، پیامبر و جهاد بر پیوندهای خانوادگی و منافع اقتصادی، معیار وفاداری را از نسب به ایمان منتقل می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۷۶) دستور قرآن مبنی بر عدم ولایت والدین و برادران کافر (توبه، ۲۳)، مرز وفاداری را از نسب به ایمان انتقال داد و زمینه را برای شکل‌گیری پیوندهای امتی فراهم کرد. افزون بر جهاد کفار و اهل کتاب معاند (توبه، ۲۹) و توکل در غزوه حنین (توبه، ۲۵-۲۶) که روح جمعی و اعتماد به خدا را تقویت نمود، (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، صص ۲۷۵-۲۹۰) واجب کفایی تفقه در دین (توبه، ۱۲۲)، نیز با اعزام گروه‌هایی از طوایف تازه‌مسلمان به مدینه موجب گسترش دانش دینی و وحدت فکری امت شد (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۰۷۵) همچنین برقراری پیمان اخوت میان

بشناسد. در مجموع، آموزه‌های سوره توبه در کنار سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله الگویی جامع برای مدیریت تفرقه و تقویت انسجام امت ارائه می‌دهد؛ الگویی که با تأکید بر تحول هویتی، اصلاح ساختار اجتماعی و الگوسازی رفتاری، جامعه‌ای منسجم بر پایه ایمان، تقوا و عمل صالح پدید آورد.

آیات سوره توبه الگوی چندبعدی و منسجمی برای مدیریت چالش‌های درونی جامعه اسلامی ارائه می‌کند؛ الگویی که فراتر از شرایط عصر نزول قابل تبیین بوده و می‌تواند چهارچوبی نظری برای رویارویی با بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و معرفتی در جوامع اسلامی معاصر فراهم سازد. این قابلیت تعمیم را می‌توان در محورهای شناسایی و مهار عناصر تفرقه‌افکن؛ الگوی قرآنی مقابله با نفاق پنهان؛ بازسازی هویت امتی مشترک؛ راه کاری برای غلبه بر گسست‌های مدرن؛ تحول ساختاری؛ جایگزینی پیوندهای قومی با همبستگی ایمانی؛ الگوسازی رفتاری؛ نقش رهبری اخلاقی در تحکیم انسجام بررسی کرد.

نتیجه‌گیری

براساس پژوهش انجام‌شده، تحول گستره و روش‌های تفرقه‌افکنی در سیر نزول آیات قرآن کریم، شناسایی مصادیق آن در جامعه نبوی و استخراج راه کارهای مدیریتی بر پایه مفاهیم سوره توبه، به روش کتابخانه‌ای گردآوری و با رویکرد تفسیری تنزیلی و تحلیل محتوای کیفی بررسی گردید. در این چهارچوب، ابتدا با بهره‌گیری از روش مهندسی معکوس، چهارچوبی تاریخی-ساختاری برای فهم پیچیدگی ابعاد تفرقه از دوره مکی تا مدنی ارائه شد و سپس راه کارهای قرآنی در مدیریت این چالش در مرحله تثبیت جامعه اسلامی، با تمرکز بر سوره توبه، استخراج گردید. این تحلیل با بررسی نقش منافقان، راهبردهای الهی در افشای نفاق و شیوه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تحکیم انسجام امت همراه بود. یافته‌ها نشان داد که اقدامات تفرقه‌افکنانه در سیر نزول قرآن از سطح انحراف فردی در دوره مکی، به پروژه‌های سازمان‌یافته و ساختاری در دوره مدنی تحول یافته است. بررسی مصادیق تاریخی در سوره توبه همچون تحریف نظم دینی

(نَبِیِّی)، کناره گیری از جهاد و تأسیس مسجد ضرار نشان می دهد که عوامل داخلی و ساختاری نقش مهمی در ایجاد و گسترش تفرقه در جامعه اسلامی داشته اند. در این میان، سوره توبه با افشای تدریجی ابعاد گوناگون نفاق، از جمله فرصت طلبی، دنیاگرایی، دسیسه های پنهان، تبلیغات تخریبی و سوءاستفاده از ظواهر دینی، چهارچوبی جامع برای صیانت از انسجام امت ارائه می کند؛ همچنین با رد عذرهای فریبکارانه منافقان، مرزبندی روشن میان جامعه ایمانی و جریان نفاق و خنثی سازی اقداماتی همچون مسجد ضرار، الگویی نظام مند برای مقابله با شیوه های نوین تفرقه افکنی ترسیم می نماید. بر اساس تحلیل آیات سوره توبه و سیره نبوی، راه کارهای تقویت انسجام امت اسلامی در سه سطح قابل تبیین است: ۱. در سطح هویتی، تأکید بر ایمان، تقوا، ولایت متقابل مؤمنان و مرزبندی اعتقادی با جریان های انحرافی؛ ۲. در سطح ساختاری، انتقال معیار وفاداری از پیوندهای قبیله ای به ایمان و تقویت نهادهایی چون اخوت اسلامی، جهاد، تعلیم دینی و سازوکارهای اقتصادی مانند زکات؛ و ۳. در سطح رفتاری، الگوسازی تربیتی از طریق معرفی الگوهای مثبت مانند مهاجران و انصار و الگوهای منفی همچون متخلفان از جهاد، همراه با تأکید بر شخصیت پیامبر ﷺ به عنوان الگوی رأفت و هدایت اجتماعی. در مجموع، آموزه های سوره توبه با تمرکز بر شناسایی عوامل تفرقه افکن، تقویت هویت امتی و اصلاح ساختارهای اجتماعی، چهارچوبی نظری و عملی برای مدیریت تفرقه و تقویت همبستگی در جوامع اسلامی ارائه می دهد. این الگو با اتکا بر اصول پایدار قرآنی، قابلیت بهره گیری در مواجهه با چالش های اجتماعی جوامع اسلامی معاصر را دارد و می تواند در جهت شکل دهی جامعه ای منسجم بر پایه ایمان، عدالت و اخلاق نقش آفرین باشد. برای پژوهش های آینده نیز می توان کاربرست این الگو را در تحلیل پدیده های مشابه در دیگر سوره های مدنی بررسی کرد، آن را با نظریه های مدیریت بحران های فرهنگی - اجتماعی مقایسه نمود و امکان آزمون کاربردی راه کارهای استخراج شده را در مواجهه با چالش های تفرقه افکنی در جوامع اسلامی معاصر مورد مطالعه قرار داد. این پژوهش تلاشی در جهت پیوند میان تحلیل قرآنی و نیازهای تمدن سازی اسلامی در عصر حاضر به شمار می آید.

فهرست منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (ج ۵). بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۷). معانی الأخبار (ج ۲). تهران: نشر اسلامی.

ابن عباس، عبدالله. (۱۴۲۵ق). تنویر المعباس من تفسیر ابن عباس. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). التحریر و التنویر (ج ۱۰). بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.

ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (ج ۴). قم: بی نا.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (ج ۴). بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱۰). بیروت: دار صادر.

ابن هشام، عبدالملک. (بی تا). السیره النبویه (ج ۲، ۱۰). بیروت: دارالمعرفه.

ابو حیان، محمد. (۱۴۲۰ق). البحر المحیط (ج ۴). بیروت: دارالفکر.

بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۸۸). در آمدی بر اصول تحول فرهنگی با الهام از نزول تدریجی قرآن. قم: بوستان کتاب.

بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۸۹). رویکردی نو در تفسیر بر اساس ترتیب نزول. پژوهش های قرآنی، ۱۶ (۶۲-۶۳)، صص ۲۶-۷۱.

بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۸۹). همگام با وحی (ویراست دوم، ج ۱). قم: مؤسسه تمهید.

بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۰). همگام با وحی: تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) (ج ۶). قم: مؤسسه تمهید.

بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی: مبانی، اصول، قواعد و فواید. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۴). شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم. قم: التمهید.
- بهجت پور، عبدالکریم؛ چهری، مجید. (۱۳۹۵). تحلیلی بر ساختار و آسیب شناسی جامعه نبوی. حکومت اسلامی، ۲۱(۸۱) صص ۸۱-۱۱۴.
- بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۶). سیر فرهنگ سازی پوشش اسلامی (با رویکرد تفسیر تنزیلی). قم: مؤسسه تمهید.
- بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۷). نقش تفسیر تنزیلی در پیشرفت. قبسات، ۲۳(۹۰)، صص ۵-۳۱.
- بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۷). نفوذی ها: مروی بر روش ها و عوامل نفوذ شیطان در جامعه اسلامی با تأکید بر آیات قرآن. قم: التمهید.
- بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. تهران: نشر علمی.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی (مترجم: باقر ساروخانی). تهران: کیهان.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (ج ۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: نشر جاویدان.
- توکل‌ی مردخی، مهدی. (۱۴۰۱). عوامل و پیامدهای تفرقه امت و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه قرآن. تهران: ارشک.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). سرچشمه اندیشه (ج ۲). قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). شمیم ولایت. قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تسنیم (ج ۱۵). قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). جامعه در قرآن. قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). تسنیم (ج ۱۰). قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۴). تسنیم (ج ۳۵). قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). تسنیم (ج ۳۴). قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۰). ادب فنای مقربان (ج ۷). قم: انتشارات اسراء.

چیت‌چیان، بی‌نا. (۱۴۰۱). مأموریت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای انسجام جامعه از منظر سوره توبه. خبرگزاری ایکننا.

حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی. (۱۳۸۰). الحیة (مترجم: احمد آرام، ج ۴). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۲/۱۲/۱۷). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. قابل دسترس در:
<https://www.leader.ir/fa/media/play/33448>

دروزه، محمد عزت. (۱۴۲۱ق). التفسیر الحديث: ترتیب السور حسب النزول (۱۰ جلد). بیروت: دار الغرب الاسلامی.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (ج ۲). بیروت: دارالکتب العربی.

ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
السحمرانی، اسعد. (۱۳۸۶). آیین نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ریشه‌کشی فتنه‌ها. اندیشه تقریب، ۴(۱۱)، صص ۳۱-۴۰.

سیوطی، عبدالرحمن. (۱۹۹۱م). اسباب النزول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹). ترجمه و شرح نهج البلاغه (مترجم: فیض الاسلام، ج ۱). تهران.

شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹). نهج البلاغه (مترجم: محمد دشتی). قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۲، ۳، ۴، ۹ و ۱۹). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۹). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۸). ترجمه تفسیر المیزان (مترجم: محمدباقر موسوی، ج ۹، ۱۶ و ۱۸). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۲). تهران: ناصر خسرو.
طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۵، ۱۰ و ۱۴). بیروت: دارالمعرفه.

عطایی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۸). راه کارهای انسجام اسلامی در سیره نبوی. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. روزنامه کیهان، ۲۷ فروردین.

عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۸۶). اتحاد و انسجام؛ زمینه های شکل گیری. زمانه، ۶ (۶۳)، صص ۱۱-۱۹.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) (ج ۱، ۳ و ۱۶). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور (ج ۳). تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.

قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن (ج ۵). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کریمی مرید، داود؛ راغبی، محمد علی و نوذری فردوسی، محمد. (۱۴۰۱). مبانی فقهی احکام تفرقه افکنی در میان امت اسلامی. جامعه شناسی سیاسی ایران، ۵ (۱۱)، صص ۱۷۴۷-۱۷۶۰.
کولب، ویلیام؛ گولد، جولیوس. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی (مترجم: مصطفی ازکیا). تهران: مازیار.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۴). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۶). انقلاب اسلامی و ریشه های آن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۹). بیروت: دارالکتب العلمیه.
معرفت، محمد هادی. (۱۴۲۹ق). التمهید فی علوم القرآن (ج ۱). قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.

- مکارم شیرازی، ناصر؛ آشتیانی، محمدرضا. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- واحدی، علی بن احمد. (۱۹۹۱). اسباب نزول القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). المغازی (ج ۳). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.